

## غزلی برای جان کیتس (John Keats)

اثر: دکتر جاوید قیطانچی

دانشیار دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه تهران

(از ص ۳۹۵ تا ۴۰۶)

### چکیده:

جان کیتس (۱۷۹۵ - ۱۸۲۱) یکی از مشهورترین و مبتکرترین شعرای تاریخ ادبیات انگلستان است. اولین شعری که از وی ثبت شده در تاریخ ۱۸۱۴ سروده شده است. و عنوان آن تقلیدی از اسپنسر بوده است. در سال ۱۸۱۷ نخستین و در سال ۱۸۱۸ دومین و در سال ۱۸۲۰ سومین و آخرین جلد مجموعه اشعار وی منتشر شده است.

کیتس با داشتن قدرت عظیم تخیل و نبوغ در نوشتن، می توانست دنیای زیبای طبیعت پیرامون خود را به صورت بسیار مطبوع در اشعار خویش به تصویر درآورد. او همچنین می توانست شعر را با نقاشی و مجسمه سازی ارتباط دهد. یکی از مهم ترین غزلهایش با عنوان غزل پاییزی، در حالی که در سحرگاه یک روز یکشنبه در وینچستر انگلستان به گردش می پرداخت و زیباییهای آن روز پاییزی را در حومه شهر تحسین می کرد، به وی الهام شده است.

واژه های کلیدی: زیباییهای طبیعت، مسرت، حقیقت، فناپذیری، نامه ها،

غزل الهامی

## مقدمه:

اندیشه و زندگی نوابغ در همه زمانها، الگوی انسانهای باهوش و اهل خرد بوده است. در این مقاله دوره‌های مختلف زندگی کیتس و اتفاقاتی که عمدتاً غم‌انگیز بوده مورد بررسی قرار می‌گیرد. از همان آغاز جوانی، نبوغ و استعداد فوق‌العاده و علاقه سرشار وی به مطالعه زندگی و آثار بزرگانی چون شکسپیر و اسپنسر مشهود و نمایان است و با وجود همه مشکلات و ناملازمات، همچنان در این راه با اراده راسخ پیش می‌رود و همواره از این بزرگان و استادان به بزرگی و نیکی یاد می‌کند. کیتس جوان، در ادامه مطالعات وسیع و عمیق خود به مطالعه و آموزش علم پزشکی و جراحی می‌پردازد و در همین زمان است که به قریحه درخشان و چشمه جوشان شعر و شاعری خود پی می‌برد.

اندیشه و استعدادهای خروشان کیتس در رنگهای گوناگون جلوه نموده است. آثار متعدد وی چه به صورت ترجمه و چه به صورت مجموعه اشعار همیشه پرمایه بوده و برای علاقه‌مندان به یادگار مانده است. مرض سل که در آن روزگاران، هزاران هزار انسان را در اروپا و جاهای دیگر دنیا از پا در می‌آورد، از همان اوایل جوانی خاطر نوع دوست و دل‌مهربان وی را رنج می‌داد. بیماری یا مرگ تدریجی مادر و برادر در بستر و سرانجام درگذشت غمناک مادر در سال ۱۸۱۰ و وداع جانگداز برادر در ۱۸۱۸ که هر دو قربانی مرض سل شده بودند، بیشتر و بیشتر ذهن این شاعر جوان را از نظر عاطفی درهم می‌کوبید. طوری که در سالهای بعد از فوت برادر، دیگر چندان آرامشی در زندگی نداشت. و خود نیز سرانجام به این مرض مبتلا و در جستجوی هوای بهتر و معالجه به ایتالیا می‌رود و در سال ۱۸۲۱ در سن ۲۵ سالگی با دنیای اندوه خود وداع می‌کند. (محتوای مقاله نوشته مایک گرین هاوز Mike Greenhaus به زبان انگلیسی بوده و اینجانب آن را با تغییرات و تلخیص به فارسی برگردانده و چکیده، واژگان کلیدی، مقدمه، نتیجه و یادداشت‌های داخل پرانتزها را بدان اضافه نموده‌ام.)

کیتس اولین اشعارش را در آغاز دوره رمانتیک به چاپ رسانید، ولی بعدها به

عنوان یکی از مشهورترین شاعران طراز اول تاریخ ادبیات انگلستان شناخته شد. او که در میان چهار خواهر و برادر فرزند ارشد بود، در ۳۰ اکتبر ۱۷۹۵ در فینزبری (Finsbury) لندن به دنیا آمد. پدر وی به نام تامس کیتس (Thomas Keats) در لندن اصطبل‌داری داشت که اداره کردن این اصطبل بعد از بازنشستگی پدرزن او که جان جنینگز (John Jennings) نام داشت، به وی محول شده بود. خواهر و برادران کیتس عبارت بودند از: جورج، تام، و فرانسس مری که او را فنی (George, Tom, Frances Mary "Fanny") صدا می‌کردند. وقتی که جان کیتس فقط ۱۰ سال داشت، پدرش به شکل فجیعی از روی اسب افتاد و زخمی شد و فوت کرد. مادر کیتس که فرانسس جنینگز (Frances Jennings) نام داشت، در فاصله کوتاهی بعد از مرگ شوهر مجدداً ازدواج کرد. مدت این ازدواج خیلی کوتاه بود و او به علت بیماری سل از شوهر جدیدش جدا شد و در مارس ۱۸۱۰ درگذشت. کیتس در آن زمان فقط ۱۴ سال داشت و از نظر عاطفی تحت تأثیر شدید ناخوشی طولانی مادر و فوت وی قرار گرفت.

پدر و مادر کیتس می‌خواستند که بچه‌هایشان زندگی خوبی داشته باشند، و اصرار داشتند که آنها از تعلیم و تربیت عالی برخوردار شوند. جان کیتس موقعی که در مدرسه کلارک (Clark School) درس می‌خواند، علاقه شدیدی به مطالعه و خواندن نشان داد و در این دوره چندین جایزه ادبی به وی اختصاص یافت. بعضی از نشریاتی که مورد علاقه کیتس بود، عبارت بودند از: مجله هفتگی اگزامینر (Examiner) و کتاب تاریخ معاصر زمان خود (Burnet's History of His Own Times). هردوی این منابع در نوشته‌های بعدی کیتس مؤثر بوده‌اند. کیتس در این دوره به عنوان تحسین و تمجید کننده بزرگ شکسپیر (William Shakespeare) و اسپنسر (Edmund Spenser) جلوه‌گر شد. یکی از فعالیت‌های اوایل جوانی کیتس ترجمه کامل آئید (Aeneid) به صورت منشور بود و این فعالیت موقعی صورت می‌گرفت که وی هنوز در دبیرستان درس می‌خواند.

بعد از فوت مادر، کیتس رفتن به مدرسه کلارک را ترک کرد و به جای آن نزد جراحی به نام تامس همند (Thomas Hammond) به آموزش در رشته پزشکی و جراحی پرداخت. مدت کوتاهی بعد از گذراندن امتحان پزشکی که در ژوئیه ۱۸۱۵ بود، کیتس به یکی از دوستانش این مطلب را نوشت: "در اثنای یک سخنرانی، توده‌ای از نور خورشید به داخل اتاق تابیدن گرفت و همراه آن دسته‌ای از مخلوقات که در آن نور شناور بودند؛ و من همراه آنها به نزد اوپرون (Oberon) در سرزمین پریان سفر کردم." (اوپرون در افسانه‌های قدیمی پادشاه سرزمین پریان و شوهر تیتانیا (Titania) ملکه پریان بود. شکسپیر در نمایشنامه رویای شب تابستان (A Midsummer Night's Dream) در جنگلی که نزدیک شهر آتن است این دو را به روی صحنه می‌آورد). بعد از این اتفاق، کیتس دریافت که او برای پزشکی ساخته نشده، بلکه شعر و شاعری است که او را به طرف خود می‌کشاند.

اولین شعر ثبت شده از کیتس در سال ۱۸۱۴ است که زیر عنوان تقلیدی از اسپنسر (Imitation of Spenser) سروده شده. این شعر بعدها جزو کتاب مجموعه اشعارش در ماه مارس ۱۸۱۷ انتشار یافت. این مجموعه اشعار به لی هانت (Leigh Hunt) تقدیم شده؛ دوستی که در بسیاری از موضوعات سیاسی با کیتس هم عقیده بود. اشعار این مجموعه خصوصیات مشترک و منسجم نداشت و لذا مردم عادی استقبال چندانی نکردند ولی مجمع دوستان کیتس (که تعدادی از آنها عبارت بودند از:

Leigh Hunt, Charles Cowden Clarke, John Hamilton Reynolds, Benjamin, Robert Haydon, Richard Woodhouse) با علاقه آثار وی را جمع‌آوری کرده و می‌خواندند. بعد از انتشار این مجموعه، کیتس به ناحیه ولوک (Well Walk) در همستد (Hampstead) اسباب کشی کرد و در آنجا بود که دفتر دوم مجموعه اشعارش، اندیمیون (در اساطیر یونان، اندیمیون (Endymion) اسم چوپانی بود که سی‌لینه (Selene) ربه‌النوع ماه او را دوست داشت و شبها پهلوی او می‌ماند تا به خواب برود). را تدارک دید. در این محل کیتس با دوستان بیشتری ملاقات و آشنایی پیدا کرد. (اشخاص جدیدی که کیتس با آنها ملاقات و آشنایی پیدا کرده بود عبارت بودند از:

این دوستان جدید به نحوی در زندگی و نوشته‌های او مؤثر بودند. بعد از انتظار زیاد دنیای ادب و دایره دوستان، کیتس در آوریل ۱۸۱۸ اندیمیون را به چاپ رسانید و منتشر ساخت. متأسفانه این اثر به طور گسترده مورد انتقاد استادان ادب قرار گرفت. آنها با زبان خیلی تند این اثر را بررسی کردند و حتی خود کیتس را نیز مورد حمله و انتقاد قرار دادند. بیشتر انتقادهای نابجا بود و بیشتر، نظرات سیاسی او بود که مورد حمله قرار می‌گرفت. اگرچه کیتس می‌دانست که این انتقادهای او نباید جدی بگیرد ولی این تفسیرهای منفی در او اثر گذاشت، به حدی که بعد از مرگ او، شایعاتی پراکنده شد مبنی بر اینکه کیتس "عملاً با انتقادهای منفی، پیش از مرگ از پا در آمده بود" (دایرةالمعارف کتاب دنیا، ۱۹۹۴، ص ۲۵۳).

سال ۱۸۱۸ فوت برادرش تام، به علت بیماری سل، غم و غصه بیشتری برای کیتس به همراه آورد. او پرستاری برادرش را به مدت بیش از یکسال به عهده گرفت. این تجربه تلخ در دید و نظر کیتس نسبت به دنیا تأثیر گذاشت و سبب شد که مرگ خود را نیز مورد سؤال قرار دهد و مفهوم زندگی را بررسی نماید. در این فاصله زمانی کیتس نگران و مضطرب بود که خودش نیز از مرض سل ممکن است بمیرد. و بعد از فوت برادر، کیتس به خانه دوست خود به نام چارلز براون اسباب کشی کرد. در همسایگی این خانه جدید دختر جوانی به نام فنی براون (Fanny Brawne) زندگی می‌کرد. کیتس در حالی که به خاطر فوت برادرش عزادار بود، علاقه شدیدی نسبت به فنی براون پیدا کرد و آشنایی و رابطه با وی جدی تر شد و دستخوش فراز و نشیبهای بسیار گشت. این علاقه شدید توأم با رنجهای بسیاری که این رابطه به همراه داشت، در نوشته‌هایش منعکس شده است.

دفتر سوم که آخرین مجموعه اشعار اوست در سال ۱۸۲۰ منتشر شد. (تعدادی از

عناوین این دفتر عبارت بودند از: Lamia ; Isabella ; The Eve of St. Agnes).

این مجموعه، سبک و استعداد به کمال رسیده کیتس را نشان می‌دهد. اشخاص

زیادی عقیده دارند که این مجموعه یکی از آثار بزرگ منظوم ادبیات انگلستان می‌باشد. متأسفانه کیتس، وقتی که متوجه شد که مبتلا به مرض سل شده است، دیگر نتوانست مدت طولانی مطلب بنویسد. در نوامبر ۱۸۲۰ به ایتالیا رفت، به امید این که هوای گرم‌تر به سلامتی و بهبودی او کمک خواهد کرد. کیتس در شهر رم، در بیست و سوم فوریه ۱۸۲۱ در ۲۵ سالگی دارفانی را بدرود گفت. کیتس دیده از جهان فرو بست، در حالی که شاید تصور نمی‌کرد که بعد از مرگ چه شهرتی نصیب او خواهد شد. او خواسته بود که روی سنگ آرامگاهش این مطلب را بنویسند: "اینجا کسی خوابیده که نامش روی آب نوشته شده بود" (هست، ۱۹۸۱، ص ۱۵). خوشبختانه برای ما نوشته روی سنگ آرامگاه وی هرگز مفهوم درستی پیدا نکرد و اسم و آثار او برای همیشه زنده خواهد ماند.

### سبک در آثار جان کیتس:

اگرچه کیتس از بیشتر جهات صفات یک شاعر رمانتیک را داشت، ولی از جهاتی نیز هنر مخصوص به خود را در سرودن شعر نشان داده است. وجه مشترکی که اشعار این دوره دارد، بیشتر موضوعاتی است که کشمکش بین طبیعت در مقابل ماورای طبیعت و یا محدودیت در مقابل لایتناهی را نشان می‌دهند. اشعار کیتس به جز چند استثنا، این سبک اصلی و اساسی را در خود داشت. در اشعار کیتس آهنگ و زمینه شعری در دنیای واقعی و قابل لمس آغاز می‌شود، قبل از اینکه شخصیتها سفرهای اکتشافی به سرزمینهای بالا و ماورای طبیعت را آغاز نمایند. بعد از این سفرها و مواجهه با دنیای آرمانی و تجربه آن، شخصیتها در آخر شعر به دنیای حقیقی بر می‌گردند، ولی به صورت اشخاصی که آگاهی پیدا کرده‌اند. ساختمان اصلی سبک کیتس به وسیله جک استیلینگر در کتاب مجموعه اشعار کیتس (استیلینگر، ۱۹۸۲، مقدمه، صص ۱۶ تا ۱۷) به ترتیب صفحه بعد نشان داده شده است:

## ب

## الف ۲      الف ۱

در این ترسیم، خط مستقیم نشان دهنده تقسیمی است که بین دنیای حقیقی و دنیای آرمانی به وجود آمده. اشعار کیتس اغلب در دنیای واقعی "الف ۱" شروع می‌شوند و در پرواز ذهن اوج می‌گیرند و به دنیای آرمانی "ب" می‌رسند و بعد از آن، به دلایل مختلف و بیشتر به علت احساس کمبودی و یا به یاد آوردن وطن و دنیای زادگاه خود، اشخاص نمی‌خواهند و یا نمی‌توانند برای همیشه متعلق به دنیای آرمانی باشند، بر می‌گردند به وطن خود که دنیای واقعی است به صورت "الف ۲". ولی در برگشت به طور ساده به حالت عزیزمت خود که "الف ۱" بود، بر نمی‌گردند. چیزها و مطالب تازه‌ای را کسب کرده‌اند، یک درک و آگاهی جدیدی از موقعیت، و یک تغییر رفتاری که نسبت به آن پیدا کرده‌اند، و از تجربه‌ای که از این پرواز به دست آورده‌اند اعم از اینکه خوب یا بد باشد، دیگر پس از آن آدم‌های پیشین نیستند.

دنیای حقیقی کیتس، دنیای انسان‌های محکوم به مرگ و فناپذیر است. انسانها به طور طبیعی کارهایی را انجام می‌دهند که سرانجام با مرگ پایان می‌یابد. دنیای فانتزی در اشعار کیتس، دنیای خدایان و جن و پری در مقابل دنیای همیشگی و لایزال است. خطی که این دو دنیا را از هم جدا کرده، منظور دنیای طبیعی و ماوراء طبیعی، اغلب در آثار کیتس به وسیله تصویر ساحل و دریا نشان داده شده است. مثال چنین سبکی در غزلی است که زیر عنوان به هومر (To Homer) نوشته شده. در این غزل شخصیتها که ریشه آنها در دنیای واقعی قرار دارند، آرزو می‌نمایند که به دنیای آرمانی برسند و لذا چنین معرفی می‌شوند که در ساحل منتظراند و علاقه شدیدی دارند که بروند به دریاهاى ژرف. تاکید کیتس در دنیای حقیقت به فناپذیری آن و مرگ و میراست، و این فناپذیری و مرگ از تجربه‌های جوانی خود او ناشی می‌شود. مرگ اعضای خانواده یکی بعد از دیگری و حتی درگذشت مادر

بزرگ و پدر بزرگ، همه اینها تأثیر ناگواری را در ذهن و روح کیتس جوان باقی گذاشته بود. بیشتر آثار او در این دوره با مفهوم زندگی سروکار دارد و می‌گوید چگونه اگر کسی در زندگی دقت نکند ممکن است نتواند آنچه را که در حقیقت مهم است، ببیند و متوجه بشود.

علاقه شدید کیتس به فنی براون و نگرانی و ناراحتیهای موجود، در اشعار و نوشته‌های این دوره تأثیر گذاشته و منعکس گردیده است. مثلاً کیتس در فاصله کوتاهی بعد از آشنائی با فنی براون شعری را زیر عنوان شب آگنس مقدس

(The Eve of St. Agnes) (اگنس مقدس در قرن سوم یکی از حامیان کلیسای غرب بوده که روز ۲۱

ژانویه به نام ایشان اسم گذاری شده و مراسم مذهبی مخصوص در بین پیروان مسیحیت در آن روز برگزار می‌شود.) سروده که مبنای آن تراژدی رومئو و ژولیت (Romeo and Juliet) است.

منقدان می‌گویند که کیتس به علت نگرانی از اینکه رابطه‌اش ممکن است با فنی براون قطع شود این شعر زیبا را سروده است. اتفاقات ناگواری که در زندگی کیتس به وقوع پیوست، سبب شد که او به چیزهای ساده، به روابط و دوستیها، و زیبایی طبیعت که در دور و بر او بود، ارج و سپاس زیادی را قایل شود. زیباترین اشعار و غزلهای او بیشتر در محلهایی است که از طبیعت لذت می‌برد، و دنیای طبیعی اطراف خود را توصیف می‌کند. و لذا استعداد فوق‌العاده و تصورات ذهنی او کمک می‌کنند که زیباییهای دنیای طبیعی دور و بر خود را به صورت تصویرهای فوق‌العاده زیبا در اشعار خود بیان نماید. کیتس اگرچه در شهر لندن زندگی می‌کرد، سفرها و گردشهای فراوانی را در حومه لندن و دهات و روستاها داشته، مخصوصاً در سال ۱۸۱۷ سفرهایی به همراه دوست خود به نام چارلز براون به نواحی تاریخی و زیبا نموده و در جزایر انگلستان و اسکاتلند بین زیباییهای طبیعت به پیاده روی پرداخته است. (اسامی محل‌هایی که کیتس در آنها به سیر و سیاحت در این دوره از زندگی خود پرداخته عبارتند از: Isle of White, Canterbury, Hastings, Oxford, Lake District of England and Scotland)

بیشتر اشعاری که کیتس در این دوره سروده گردش و سفرهای او را نشان



می دهند. این اشعار منعکس کننده عشق و علاقه او به زیباییهای طبیعی زمینهای است که مورد دقت و مشاهده وی قرار گرفته است. در یکی از مشهورترین سروده‌ها زیر عنوان اندیمیون در سطر اول او می‌گوید "زیبایی برای همیشه مایه مسرت است".

یکی دیگر از عوامل نفوذ کننده در اشعار کیتس جوّ سیاسی آن زمان است. کیتس یک نمونه تمام عیار دوره رمانتیک بود با عقاید و نظرات سیاسی باز، و بیشتر میانه رو. او اولین اثر خود را به علت اشتراک عقیدتی به لی هانت تقدیم کرد و این موقعی بود که آنها هنوز همدیگر را ملاقات نکرده و آشنا نشده بودند. بعدها این دو باهم دوستان صمیمی شدند و نه تنها سیاست بلکه موضوعات ادبی، مخصوصاً شکسپیر و اسپنسر را مورد بحث و ارزشیابی قرار دادند. هردوی آنها به این دو نویسنده بزرگ ادبیات انگلستان عشق می‌ورزیدند و تحت تأثیر آنها قرار گرفته بودند. در شعری زیر عنوان متفکرین بزرگی که روی زمین اقامت گزیده‌اند (Great Spirits Now on Earth Are Sojourning) کیتس نه تنها هانت بلکه دوستان دیگری چون ویلیام وردزورث و بن‌جامین هیدن را نیز مورد بحث قرار می‌دهد. مجمع دوستان کیتس یک گروه منسجمی بودند که در نوشته‌های کیتس تأثیر زیادی را باقی گذاشت. از همه قابل توجه‌تر، گنجینه اشعاری است که وی پیش از سن ۲۵ سالگی سروده است. کیتس دوره شاعری خود را تا سن ۲۱ سالگی که سال ۱۸۱۶ است به طور جدی شروع نکرد. متأسفانه این دوره خلاقیت نیز بعد از سه سال و نیم به علت بیماری و مرگ به پایان خود نزدیک شد. وقتی انسان به عمر شعرای بزرگ مثل چاسر و شکسپیر نگاه می‌کند، هرکدام حداقل به اندازه دو برابر سن کیتس زندگی کرده‌اند و لذا کیفیت و کمیت آثاری که کیتس در فاصله زمانی کوتاهی خلق کرده، انسان را به تعجب و شگفتی وامی‌دارد. منقدان در پی انتشار جدید اشعار کیتس، متوجه رشد و پختگی آثار او گردیدند. کیتس در آخرین ماههای عمر، آثار شگفت‌انگیز فراوانی را خلق کرد. که بعضی از آنها به صورت مشهورترین اشعار

زبان و ادبیات انگلیسی در آمده است (استیلینگر، ۱۹۸۲، مقدمه، ص ۱۴). به عنوان مثال در غزلی که در مورد گلدان یونانی (On a Grecian Urn) سروده شده، این گفتار برای همیشه زنده است: "زیبایی حقیقت است، حقیقت زیبایی".

در مورد سبک قصیده‌ها، اشعار و غزلها بایستی اذعان داشت که کیتس توانست "شعر را با نقاشی و مجسمه سازی ارتباط دهد" (هست، ص ۲۹). کیتس می‌توانست با ایماژ روشن، تصویری را در ذهن خواننده به وجود بیاورد. کیتس در هر دفتری از اشعارش، قدرت این را داشت که ساختار جمله‌های خود، آهنگ الگوهای زبانی، صنایع بدیعی و الگوهای صدائی را بهتر از قبل بیافریند و به کار ببرد. علاوه بر واژه‌های شگفت آوری که القاکننده ایماژها هستند، اشعار کیتس آهنگ مطلوبی دارد. جک استیلینگر می‌نویسد: "خط به خط اشعار کیتس ... پر است از تکرار گوناگونی از حروف صدادار و بی صدا؛ لذا می‌توانیم بدون ذکر دلیل، بگوییم که اشعار وی موقع گوش دادن لذت بخش است. حتی اگر کسی هیچ توجهی به مفهوم کلمات نداشته باشد و یا انگلیسی نداند، از نظر آهنگ کلام و موسیقی برایش خوشایند خواهد بود" (استیلینگر، همان، ص ۲۴). کیتس می‌توانست با مهارت الگوهای ساخته شده از حروف صدادار و بی صدا و ریتمهای متفاوتی را به منظور خلق ایماژها در اشعار خود به خوبی به کار بگیرد. با توجه به این مهارت‌های روزافزون، به عنوان یک شاعر، به خصوص در ۹ ماه آخر دوره نویسندگی و شاعری، می‌توان تصور نمود اگر عمر بیشتری می‌داشت به چه مقام و مرتبه‌ای در شاعری دست می‌یافت.

علاوه بر سه دفتر مجموعه اشعار، کیتس صدها نامه به دوستان و خویشاوندان خود نوشت که بیشتر آنها چاپ و منتشر شده است. نامه‌ها نه تنها استعداد او را به عنوان یک نویسنده نشان می‌دهند، بلکه عمق شخصیت و ضمیر باطنی شاعر را به معرض نمایش می‌گذارند. کیتس یک انسان متواضع، یک دوست خوب و نسبت به خود و دنیا نگرش درست و حقیقی داشت. در یکی از نامه‌هایش که در ۲۲ نوامبر

۱۸۱۷ نوشته می‌گوید: "آنچه را که ذهن به عنوان زیبایی درک می‌کند باید حقیقت باشد."

غزل پاییزی وی در ۱۹ سپتامبر ۱۸۱۹ در وینچستر (Winchester) نوشته شده و در سال ۱۸۲۰ چاپ و منتشر گردیده و مورد توجه خاص و عام قرار گرفته است. این غزل الهامی است از یک گردش پیاده، در بعد از ظهر یکشنبه، در حومه وینچستر، موقعی که کیتس زیباییهای طبیعت را مشاهده و تحسین و تمجید می‌کند. این شعر به عنوان یکی از بهترین غزلهای کیتس به شمار می‌آید. این شعر در اواخر و یا در پاییز دوره نویسنده و شعر سرایی او نوشته شده و نشانگر خصوصیت فوق‌العاده و سبک پخته و وصف بارز آثار کیتس است که در آخر عمر وی سروده شده است. این شعر همچنین آگاهی او از فناپذیری و مرگ و قانون‌گردشی و چرخشی زندگانی را نشان می‌دهد. کیتس فصول را به طور استعاره، جهت نشان دادن گردش طبیعت به کار می‌گیرد و نشان می‌دهد "بیهوده و بی‌فایده بودن کوشش انسان را که می‌خواهد گذشت زمان را مهار کند" (هست، همان، ص ۲۶). کیتس به جای اینکه در آخر این شعر از دست رفتن زیباییهای تابستان را بیان کند، صحنه را عوض می‌نماید و منظره و شکوه "دشتهای تازه درو شده" را در منظره زیبای پاییزی نشان می‌دهد. کیتس "نه تنها می‌پذیرد بلکه غلبه بی‌امان گذشت زمان و اعمال و حرکات طبیعی را در آغوش می‌گیرد" (هست، همان). غزل پاییزی مثالی است از قدرت کیتس در نقاشی صحنه به کمک واژه‌ها. سبک نوشتن و زبان او به خواننده تصاویر غنی از مناظر و صداهای پاییز را القا می‌کند. در این شعر ما نه تنها "رسیدن میوه‌ها"، "به غنچه نشستن گلها"، "به کمال رسیدن" (استیلینگر، همان، ص ۴۷۷) را در این فصل می‌بینیم بلکه به گل نشستن و به کمال رسیدن نویسنده را نیز هنگامی که او وارد پاییز زندگی متأسفانه کوتاه خود گشته است، مشاهده می‌کنیم (جهت اطلاع بیشتر از زندگی کیتس و غزل پاییزی به مقاله‌ای که زیر عنوان زندگی جان کیتس و تفسیری از غزل پاییزی توسط جاوید قیطانچی نوشته شده، به مجله ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران شماره ۱۵۰، دوره ۳۸، تابستان

#### نتیجه:

کیتس همانند دیگر شعرای دوره رمانتیک با طبیعت اطراف خود از نزدیک آشنا بود. اگر چه با سبک و سلیقه خود موضوعات و شخصیت‌های خود را به سطوح ماورای طبیعت پرواز می‌داد و آنها را به شکل‌های تازه‌ای در می‌آورد و تجدید حیات می‌بخشید، ولی فکر و دقت نظری سبب شده بود که به محیط اطراف خود با چشم حقیقت بین بنگرد و با زیبایی‌های آن درآمیزد و آن جمال مطلوب را در تابلوهای اشعار زیبای خود به تصویر بکشد. چنانکه پیام‌های آموزنده و آرمانی این اشعار، امروزه الهام بخش بسیاری از اصحاب ذوق و اندیشه است. به عنوان مثال کیتس می‌گوید: "زیبایی برای همیشه مایه مسرت است". و یا در مورد دیگری می‌گوید: "زیبایی حقیقت است، حقیقت زیبایی". مطالعه آثار کیتس و به ویژه غزلها، پرده‌هایی از اسرار طبیعت را کنار می‌زند و چشم انسانها را به حقیقت نزدیک‌تر می‌کند و قدرت بینایی بیشتر می‌بخشد. مقاله فوق، با هدف آشنایی با اندیشه و فکر پویا و آثار این اندیشمند جوان و طبع و اندیشه حقیقت جوی او تهیه گردیده است. هر خواننده‌ای با امعان نظر و سیر در دنیای اندیشه و آثار این بزرگ می‌تواند به شکوه و جلال خالق آنها بیشتر از پیش پی ببرد.

#### منابع:

- 1- Hirst, Wolf Z. 1981. *John Keats*. Boston: Twayne Publishers.
- 2- Stillinger, Jack. 1982. *John Keats Complete Poems*. Cambridge: Harvard University Press.
- 3- *The World Book Encyclopedia*. 1994.